



اسلام به عنوان راه حل

ژرژ هوفمن، نویسنده کتاب^۱، یک آلمانی مسلمان است. وی علاوه بر آلمانی بودن، مشخصاً جالب دیگری هم دارد او عهده‌دار سفارت آلمان در مراکش است. بعد از تألیف این کتاب، جدالی نه چندان جدی بین سفیر و وزارت امور خارجه در گرفت که خیر آن به تلویزیون هم داده و پخش شد.

کتاب در بیست فصل تدوین شده است. سعی مؤلف بر آن است که اهم مسائل مربوط به اسلام را بررسی کند و پاسخ دهد. وی در هر جا که صلاح می‌بیند بین مذاهب ابراهیمی بویژه بین اسلام و مسیحیت مقایسه می‌کند.

صفحه ۱۱ کتاب به فصل «مسیحیت از دیدگاه اسلام» اختصاص دارد. در بخشی از این فصل آمده است:

«اگر یک مسلمان نام پیامبر یا محمد را ذکر نماید یا بخواند، همیشه صلوات را ضعیف آن می‌کند. صلوات برای پیامبر، زمانی که نام «مسیح» بر زبان جاری می‌شود نیز ذکر می‌شود. هر خواننده‌ای که با «استنباط شخصی اسلام» محرم نباشد، ممکن است از این موضوع شگفت‌زده شود.»

وی در ادامه مطلب چنین می‌نگارد: «اسلام به عنوان دین نو و آخری که مقابل مسیحیت است فهمیده نمی‌شود، بلکه اسلام در مقام «مکمل توحید ابراهیمی» درک می‌گردد. (سوره ۱۲-آیه ۱۳)

از این لحاظ اسلام می‌تواند در عین حال به عنوان جوانترین و قدیمیترین دین از ادیان جهانی در نظر گرفته شود. در نتیجه اسلام ادعای مطلق بودن به مفهوم «کلیسای کاتولیک» را ندارد. به علاوه این مطلب سوا و صرف‌نظر از سعه صدر اساسی اسلامی است.»

مؤلف در صفحه ۸۷ کتاب به مسئله «بنیادگرایی» می‌پردازد و ضمن تأیید آن در اسلام، به وجود این عنصر در مذاهب و مکاتب دیگر نظیر «مسیحیت» و «مارکسیسم» اعتراف می‌کند.

در صفحه ۹۷ یعنی میحت «سعه صدر یا زور» نویسنده کتاب چنین می‌نویسد:

«اغلب برای متفکرین غربی این ادعا که اسلام یک مذهب با گذشت و دارای سعه صدر است، غیر قابل درک به نظر می‌رسد. این ادعا البته صحیح است. قرآن همواره به معتقدین خود می‌آموزد که تفاوت انسانها، نه فقط از حیث رنگ و ثروت، جنس و زبان یک امر طبیعی است، بلکه جهانیستی «کثرت‌گرای» خواسته خداست.»

مؤلف آنگاه با ذکر آیه ۱۸ از سوره مائده که می‌فرماید: «اگر خدا می‌خواست همه شما را یک امت می‌ساخت، ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است نیازمایدتان. پس در خیرات هر یکدیگر پیشی بگیرید»، می‌نویسد: این اعتقاد به کثرت آیینها در نقطه مقابل اعتقاد کاتولیکی قرار دارد. نویسنده در ادامه این مباحث برای اثبات مدعای خود به آیات دیگر از قرآن کریم استناد می‌کند.

وی با اشاره به نبودن زور در پذیرش ایمان دینی ادامه سخن خود را به خلافت اسلامی اختصاص می‌دهد:

«قرآن نهاد خلافت و به همراه آن ایجاد حکومت اسلامی را بنیاد گذارده است. بدین گونه در اسلام چندگانگی منظم قدرت یا حکومت گروه خورده است. تا وقتی که حکومت در وضعی است که ممنوعیت الکل را مانع شود، هیچ مسلمانی شخصاً حق ندارد با تبر پیشخوان میخانه‌ای را بشکند و خراب کند.» (ص ۱۰۰)

«حکومت اسلامی» عنوان میحت دیگری است که هوفمن در صفحه ۱۱۳ کتاب خود بدان می‌پردازد:

«امروزه در رابطه غرب و اسلام دو نظریه حکومت وجود دارد. هر یک از این دو نظریه آشکارا با یکدیگر آشتی‌ناپذیرند و دو طرح اساسی متفاوت از هم ارائه می‌دهند. از یکسو «حکومت لائیک» اگر نگویم جدایی مطلق حکومت و مذهب از یکدیگر را به عنوان مدل

جهانی، حداقل یک جدایی قابل توجه دیانت از حکومت را عرضه می‌کند. نمونه بارز حکومت لاتیگ که در جهان خارج محقق شده، فرانسه است. هم‌زمان در اکثر جمهوریه‌های دیگر غربی نظیر ایالات متحده آمریکا، انگلیس و آلمان هنوز بین حکومت و مذهب ارتباط نزدیک و تنگاتنگی وجود دارد. مثلاً می‌توان از تعلیمات دینی در مدارس، دعا در مدارس، هدایت کلیسا، روزهای تعطیل و دیگر امور مقدس نام برد. جدایی دین از حکومت غالباً در قالب مفهوم عبارت «کندیته زینه کو آتون»^۱ به عنوان «شرط اصلی» هر دمکراسی حقیقی، تقسیم قدرت و حقوق حکومت درک می‌شود.

... از نظر مسیحیت می‌توان به عبارت انجیل استناد کرد. آنجا که می‌فرماید: «به قیصر، آنچه را مربوط به قیصر است بدهید و به خدا آنچه که مربوط به خداست». از دیدگاه اسلام می‌توان به عبارت «دین و دولت» (اسلام به عنوان ایمان مذهبی و حکومت) اشاره کرد. اگرچه عبارت مشخصی در قرآن یافت نمی‌شود، اشاره مجموعه آیات قرآن به این امر آشکار است. آنجا که مسلمان را به عنوان یک «موجود معنوی» می‌بیند. این موجود بی‌نهایت، عضو و تبعه حکومت اسلامی باید «خدا محورانه فکر و عمل کند».

فصل دیگر کتاب به اسلام و محیط زیست اختصاص دارد. در ابتدای این فصل که از صفحه ۱۳۱ آغاز می‌گردد می‌خوانیم: «هیچ مسلمانی جرأت نمی‌کند ادعا نماید که مشکل محیط زیست جدید ابتدا در جهان اسلام شناخته شده باشد. افتخار اظهار این مشکل بدون تردید نسبت «باشگاه رم» است که گزارشش درباره «مرزهای رشد» در سال ۱۹۷۲ ایضاً در آلمان مانند همین متفجر شد. من خوب به یاد می‌آورم که استاد برنامه‌ریزی وزارت امور خارجه آلمان در آن زمان فوراً برای تهیه تحلیل مربوط به «نتایج ناشی از سیاست خارجی گزارشی فوق» مأموریت یافت. همانطور نمی‌توان با یک تصمیم‌گیری عجولانه ادعا کرد که حکومت‌های اسلامی تاکنون از مسائل مربوط به محیط زیست آگاه نبوده‌اند. گزارش وزیر امور خارجه (وقت) آلمان - هانس دیترش گتشر - در مورخ ۹/۱/۹۱ به نشست عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک خلاف ادعای بالا را ثابت می‌کند. طبق این گزارش: انسان هنوز علیه خلقت می‌جنگد. کشورهای اسلامی جهان سوم با ترخ پایین توسعه، تعابلی دارند وضع قوانین محیط زیست گرانبار کشورهای غربی را هنوز به عنوان یک امر «لوکس» جلوه دهند که تنها کشورهای صنعتی بزرگ جهان اول از عهده اجرای آن برمی‌آیند.

... با وجود این مسلمانان آلمانی و پیش از همه احمد فون دنقره هارون بهر و آکسل کوهلر^۲ بعد از اولین شوک مربوط به میزان آلودگی محیط زیست خود را با این مسئله درگیر نمودند. زمینه اشتغال این مسلمانان با مسئله محیط زیست «آداب محیط زیست اسلامی» بود «جنگ مقدس» مهمترین بحث و موضوع روز کتاب را تشکیل می‌دهد. این موضوع در تاریخ مباحثات آلمانی رشته درازی دارد. با توجه به تاریخ این مباحثات است که مؤلف مبحث ماقبل آخر کتاب خود را به «جنگ مقدس» اختصاص می‌دهد. وی در این باره می‌نویسد:

«با این عنوان شاید بتوانم این فصل را اختصاصاً با این جمله به پایان برسانم: ساختار کلمه جنگ مقدس [سا کروم یلوم] این کلمه در اسلام وجود ندارد. آدمی به همین سادگی اجازه ندارد این نوع کلمه‌سازی را باب کند. زیرا پدیداری که شرق‌شناسان از «جنگ مقدس» بظلم ارائه داده‌اند، به صورت «جنگ مذهبی علیه طرفداران مذاهب دیگر» تحریف شده است.

به منظور پاسخگویی به این سؤال بسیار جدی که چه امکاتی در خصوص «منشأ تجاوز» و «استفاده از زور» در اسلام وجود دارد، می‌توانم تعریف آن را از طریق تأثیر مسئله بر سطح زبان علمی آسان نمایم و این کار با یادآوری معانی متفاوت «جنگ» که در قرآن برای لفظ «جهاد» به کار رفته است، ممکن می‌شود.

اگر بتوانم ثابت کنم که تحت عنوان اصطلاح «جهاد فی سبیل‌الله» - نظیر آنچه اهل تصوف می‌گویند - تلاش برای «صفای درون» (انسان) فهمیده می‌شود، اگر بتوانم اثبات نمایم که امروزه «جهاد اکبر»، جنگ علیه «ذلت انسانی» است و نه علیه کفار و دیگر خادمان بت، در آن صورت توانستم به مقصود خود نائل آیم. (صفحه ۱۹۱)

نویسنده در صفحه ۱۹۲ کتاب به بررسی ادعای کسانی می‌پردازد که با استناد به برخی از آیات قرآنی «جنگ تدافعی» را رد می‌کنند و جهاد را معادل «جنگ تهاجمی» در اسلام می‌شمارند، و ضمن مقایسه جملهای از حضرت مسیح با این نوع آیات قرآنی می‌نویسد:

«به این معنا جهاد در قرون وسطی از سوی برخی حتی به عنوان ستون ششم و اضافی اسلام - بعد از پنج وظیفه اصلی مسلمانان - نگریسته شده است. بعد از آن «پاتر هانس فوکینگ» به طور خلاصه و بدون ملاحظه در ابتدا به این مسئله توجه کرد و سعی نمود از موقعیت مسلمانان تصویر «ناگزیری» ارائه نماید. به نظر او: کسی که جهاد را فقط به عنوان «جنگ تدافعی» یا «تلاش معنوی شخصی» تفسیر کند، هم اظهارات قرآن را انکار می‌کند و هم «تکامل آموزش مذهب اهل سنت متعصب» را. به عبارت دیگر: اگر یک مسلمان معاصر علیه «جنگ تهاجمی» به منظور اشاعه اسلام، سخن به میان آورده او در واقع صلح جو است، اما مسلمان نیست. اگر او از سوی دیگر یک مسلمان باشد، پس باید طبق ادعای «فوکینگ» بر مبنای آیات قرآنی (سوره توبه آیات ۵ و ۷۳، سوره آیه ۱) عمل کند».

این روش - یعنی قرآن را بدون توجه به ارتباط آن و تاریخ نزولش تفسیر کردن، برای آنکه یک واجب اسلامی را به عنوان «جنگ تهاجمی» اثبات نمودن - مانند آن است که انسان از این عبارت عیسی مسیح: «من نیامده‌ام که صلح بیاورم، بلکه آمده‌ام که شمشیر بیاورم»^۳ شهودت به جنگ را در مسیحیت بپذیرد. (صفحه ۱۹۲)

1- Islam als Alternativ

2- conditio sine qua non

3- در اینجا منظور حضرت مسیح است.

1- احمد فون دنقر (Ahmad von Denfer) قرآن و محیط زیست. الاسلام، مونیخ - ۱۹۸۳، شماره ۵ و ۶ صفحه ۲ به بعد. مسأله محیط زیست و اسلام. الاسلام، ۱۹۸۹ شماره ۲ صفحه ۲ به بعد. هارون بهر (Harun Behr) بازگشت به سوی مذهب فطری، الاسلام، ۱۹۸۵ صفحه ۵ به بعد. آکسل کوهلر (Achsel Kuhler) آداب محیط زیست اسلام.

4- Pater Hans Vocking

5- ترجمه سوره توبه آیه ۵ و بدون مذهبهای حرام به پایان رسید هرچا که مشرکان را یافتند بکشید و بگریید و به حبس افکنید و همه جا به کمپشان نشینید. اما اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند از آنها دست بردارید... ترجمه آیه ۷۳ سوره توبه: ای پیامبر با کافران و منافقان جنگ کن و با آنان به شدت رفتار کن...